

مَلِک زوزن؛ فخر مساجد خراسان

درباره زوزن و مسجد معروفش، به بهانه هشتاد و سومین سال ثبت ملی آن

هادی دقیق ا در شصت کیلومتری جنوب خواف و پس از خرگرد و نشستیفان تاریخی، روستایی است به نام زوزن که از نظر پیشینه تاریخی چیزی از بقیه شهرهای یادشده کم ندارد. زوزن درواقع بقایای شهری است متروکه در نزدیکی روستای زوزن که البته زمانی بار تاریخی سنگینی به دوش می کشید و از آن همه شکوه، امروز آثاری اندک به‌جامانده است. یکی از این آثار که از قضا با همین ماندگاری نصفه‌نیمه‌اش از شاهکارهای هنر معماری ایران‌زمین است، مسجد ملک زوزن است. آوازه زیبایی ملک زوزن در ابتدای قرن گذشته به حدی رسید که آندره گدار فرانسوی، باستان‌شناس و معمار بنای موزه ملی ایران، حافظیه و بسیاری مکان‌های دیگر از زبان عبدالحسین تیمورتاش در جریان وجود چنین بنایی قرار گرفت. گدار پس از دیدن مسجد ملک زوزن، اولین کسی بود که این مسجد را در مکتوبات باستان‌شناسی معرفی و عکس‌ها و نقشه‌هایی از آن منتشر کرد و کتیبه‌های آن را خواند. سال‌ها پس از این و در بهمن ۱۳۱۸ نیز وزارت فرهنگ و هنر وقت، بنای مسجد ملک زوزن را ثبت ملی کرد تا از آن‌پس عزم و اقدامات ملی پشت گرمی مسجد باشد و به‌مرور، مرمت و پایدار و از انهدام دور شود.

کاربری بنای کنونی ملک زوزن یکی از افسوس‌های امروز ما هنگام دیدن مسجد ملک زوزن، این است که در میان بی‌شمار خرابه اطرافش، این بنا هم از خرابی‌گردش‌گردون‌در امان نبوده‌وآن‌قدر تن‌به‌سایش‌روزگار سپرده که‌اکنون فقط‌دو ایوان از آن‌همه‌شاهکار معماری به‌جامانده است، اما‌همین دوایوان هم‌مشتی از نمونه خرواری است که‌نشان می‌دهد، شهرزوزن رود، تاریخی که رفته رفته فراموش شد تا اینکه در دوره معاصر، جلال و جبروت باقی‌مانده‌اش مورخان و باستان‌شناسان را به‌سوی خودش کشاند. به قول شهریار عدل، باستان‌شناس، «این پرده فراموشی اما‌آن قدر ضخیم‌شد که‌هیچ‌یک از سیاحان جدید درصد رفتن به زوزن برنیا‌مند».

به‌طور کلی برای کاربری بنای فعلی ملک زوزن سه‌نظریه ارائه‌شده‌است، «آندره گدار» معتقد است این بنا مسجد بوده، «شیلابلر» استاد مطالعات هنرهای اسلامی و ایرانی، می‌گوید مدرسه و «شهریار عدل» نیز عقیده داشته‌بنای ملک زوزن مسجد-مدرسه بوده است. اما یکی از اطلاعات ارزنده‌ای که گمان مسجد را تقویت می کند، به‌دست رجبعلی لیاف خانیکی، باستان شناس، منتشر شد. لیاف از پیدا شدن محراب گچ‌بری نفیس وپرکاری در کنار ایوان مسجد خبر داده بود که به بنایی پیش از بنای کنونی تعلق داشت‌وآن را با وسواسی خاص حفظ کرده‌بودند، شاید می‌خواستند‌آن را در شبستان شمالی مسجد جدید به کار بگیرند. بنای پیشین احتمالا مربوط به دوره سلجوقی بوده‌است. در این بین، مسلم‌است که حفاری‌ها و مطالعات باستان شناسی

دشمنانش از میان برداشته شد. جالب اینکه حتی از نظر سعدی، ملک زوزن به‌قدری شناخته‌شده بوده که در باب اول «گلستان»، در سیرت پادشاهان، نام او را بی هیچ توضیح و معرفی آورده است.

- معماری مسجد ملک زوزن

بی تردید اگر میان دو پایه قطور طاق بلند ملک زوزن بایستیم، با وجود آنکه سقف طاق تخریب شده است، جزئیات تزیینات آن چشمان را یک به یک از مقرنس به سمت کاشی کاری و گچ بری و کتیبه‌های آن می‌کشاند، تزییناتی که جدا از زیبایی‌شان، ارزش تاریخی فراوانی دارند. آنچه از مسجد ملک زوزن به قطعیت می‌دانیم، دوابوانی بودن آن است.

در این راستا، محمد کریم پیرنیا در کتاب «آشنایی با معماری اسلامی ایرانی» می نویسد: «نشان مسجد دو ایوانی را بی هیچ گفت‌وگو از قرن هفتم قمری در دست داریم. خوشبختانه دو ایوان مسجد زوزن همچنان برپاست […] و شگفتا که این گونه مسجد فقط در استان خراسان دیده می شود.» فعالیت‌های مرمتی و باستان شناختی مسجد ملک زوزن که ابتدا به دست شهریار عدل و سپس رجبعلی لیاف خانیکی انجام شد، روشن کرد که بنای فعلی روی آثاری از دو مسجد

کهن تر ساخته شده‌اند، اما اکنون فقط دو ایوان، آن هم نصفه‌نیمه به‌جا مانده‌اند. ایوان غربی یا ایوان قبله آن تقریباً ۱۳ متر عرض و ۲۲ متر عمق دارد. بر دیوار قبله این ایوان، محرابی ساخته شده است. ایوان شرقی اما کوچک‌تر از ایوان قبله است. در میان این دو ایوان صحنی وسیع و در اطراف ایوان غربی دوشبستان بوده‌وورودی اصلی مسجد در شمال غربی آن قرار داشته‌است.

در شمال ایوان غربی دو درگاه بزرگ و در جنوب آن یک درگاه بزرگ است که ایوان را به‌بخش‌های دیگر مسجد و شبستان‌های آن مرتبط می‌کرده است. کتیبه‌ای در این ایوان هست که آیاتی از سوره مؤمنون به خط کوفی است و تاریخ ۶۱۵ قمری دارد و کهن ترین کتیبه بناست.

از نکات مهم در بررسی بنا این است که

ساخت مسجد ملک زوزن ناتمام مانده،

اما به همین شکل تا مدت‌ها استفاده می‌شده‌است و این را می‌شود از ساینده‌گی چشمگیر کف پله‌ها و راهروها فهمید.

شاهد ناتمام‌ماندن آن هم این است که بر

لبه‌های بیرونی دیوارها، پاکار طاق‌هایی

برجاست که هرگز ساخته نشده‌اند.

همچنین، با وجود تزیینات مفصل بالای

ایوان، نمی‌توان پذیرفت که پایین ایوان

به‌ویژه محراب آن تزیین نشده‌باشد. از سوی



دیگر، کف ایوان نیز آشفته مانده است و بقایای بنای قبلی را کامل برنچیده‌اند. از جمله تزیینات بنا نیز می‌توان به ترکیب آجر و کاشی‌های لعاب‌دار یا لعاب‌آشاره کرد. آرایه‌های مسجد ملک زوزن ضمن آنکه ادامه سنت کاشی‌های لعاب‌دار در شرق ایران است، عرصه افزودن یک‌رنگ سوم، گاه لاجوردی و گاه سفید و همچنین تعالی کاشی لعاب‌دار شده است. درباره کاوش‌های مسجد زوزن، لیاف خانیکی می‌گوید آثار متعددی از دوره اسلامی تا دوره صفویان در این مسجد یافت شده است. در نتیجه روشن شد که بنای فعلی ملک زوزن، سومین مسجد است.

در شبستان غربی این مسجد نیز پلکانی وجود دارد که به شکل مارپیچ بر حول استوانه‌ای از آجر می چرخیده و مؤذن را به گلدسته‌ها می‌رسانده است، پلکان زاویه راست در زلزله‌های اخیر به کلی متلاشی شده است و هم اکنون قامت ازهم پاشیده آن در پشت شبستان دیده می‌شود. کار ساخت مسجد با حمله مغول ناتمام می ماند و درنهایت در زلزله قرن هشتم هجری بخشی بزرگ از آن تخریب می‌شود. با وجود همه این‌ها، مسجد ملک زوزن همچنان با تزیینات اعجاب‌برانگیزش فخر مسجدسازی خراسان است.



منبع تصویر کتابخانه ملی ایران

نادر به روایت موزه سن پترزبورگ



دشوار بود. وی چنان از پاده پیروزی سرمست است که صریحا می گوید اگر اراده کند، با یک حرکت کره زمین را تسخیر خواهد کرد. نادر مردی نظامی است و نمی‌توان روی تعهدات سیاسی او حساب کرد. او با عثمانی خوب نیست و با ما هم قلبا خوب نخواهد شد. خیلی دشوار است که بشود با او وارد یک معامله سیاسی شد، زیرا او برای هر مسئله‌ای راه حل نظامی را ترجیح می دهد. او عاشق تسخیر درخشان، توپ دور زن، اسب اصیل و سرباز مطیع است. با وجود این، هروقت که خسته می‌شود از منشی اش که در جلسات رسمی همیشه حضور دارد می‌خواهد که برایش از دیوان حافظ غزلی بخواند.



روایت است که نادرشاه افشار ۲۸۱سال پیش در چنین روزی هنگام عبور از راه جنگلی سواد کوه (مازندران) با شلیک گلوله از داخل جنگل به سویش سوء قصد قرار می گیرد و این رویداد عمیقاً بر روحیه‌اش اثر می‌گذارد. نادر پس از این تیراندازی که صدمه‌ای هم به او وارد نمی‌سازد، ماده‌ها در تهران که شهرکی خوش آب و هوا بوده، اقامت می‌کند. جایی که «کالوشکین، نماینده اعزامی روسیه موفق به دیدار با او می‌شود. کالوشکین در گزارش خود از این دیدار که نامه و دستخط آن در آرشيو موزه سن پترزبورگ محفوظ است، چنین نوشته است: «ملاقات با نادر بسیار



گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (فصل پنجم)

مشهد و زلزله ۳۰۰سال قبل

مرضیه ترابی

این روزها اخبار مربوط به زلزله ویرانگر ترکیه و سوریه، یکی از مهم‌ترین بخش‌های خبری را در جراید و صفحات مجازی خبرگزاری‌ها شامل می‌شود. اخبار، اخبار تلخی است و انسان را سخت متأثر می‌کند، خداوند رفتگان را ایام‌زدوبه بازماندگان شکیبایی عطا فرماید. زلزله یکی از مهم‌ترین بلایای طبیعی است که متأسفانه سرزمین ایران هم در تاریخ خود، از مصائب آن در امان نبوده و هر از چندگاهی، مصیبتش دامن اهالی این مرز و بوم را گرفته است. مشهد نیز در تاریخ هزار و دویست ساله‌اش، گاه و بی‌گاه با زلزله روبه‌رو شده، زلزله‌هایی که برخی از آن‌ها سهمگین بوده و تعمیر آثار و خرابی‌های آن، چند سالی طول کشیده‌است. اطلاعات ما درباره تاریخ وقوع این زلزله‌ها، خیلی دقیق نیست، اما این وسط می‌شود به اطلاعات نسبتاً قابل عرضه‌ای درباره برخی از آن‌ها دست یافت. یکی از این زلزله‌های معروف، زلزله ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۰۸۴ قمری/۹ مرداد ۱۰۵۹ خورشیدی (۳۴۱ سال پیش) است، زلزله‌ای که باعث ویرانی سنگینی در مشهد شد و روایت‌ها درباره تلفات آن، بین ۴۰۰ تا چهار هزار نفر متغیر است.

- درباره مشخصات زلزله ۱۰۸۴

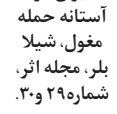
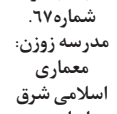
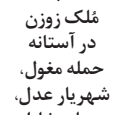
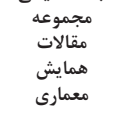
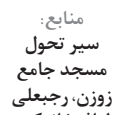
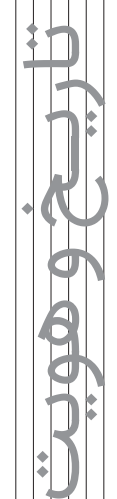
زلزله ۱۰۸۴ قمری در دوران سلطنت شاه سلیمان صفوی اتفاق افتاد و البته مشهدی‌ها از این بابت شانس آوردند! چرا؟ چون این دوره را باید یکی از دوره‌های بسیار پررونق عمران و ساخت‌وسازهای شهری، طی ۵۰۰ سال گذشته بدانیم. شاه صفوی به ساخت بناهای بزرگ و مُعظم سخت دلبسته بود و درباریان، امرا و بزرگان هم، برای جلب نظر و در راستای سیاست‌های وی، دست‌به‌ساخت‌وسازهای گسترده در مناطق مختلف کشور زده بودند. در مشهد، مصالحی تاریخی شهر و مدرسه مشهور «نواب» در همین دوره ساخته شد، البته وقوع زلزله ۱۰۸۴ بخش مهمی از این فعالیت‌های عمرانی را به سمت بازسازی و ترمیم خرابی‌ها هدایت کرد. درباره زمان وقوع زلزله، یعنی اینکه در شب واقع شد یا در روز، اطلاعاتی در اختیار نداریم. اگر چنان‌که مرحوم محمدتقی مدرس رضوی در «سال‌شمار وقایع مشهد» آورده است، آمار ۴۰۰ نفر کشته را در این زلزله بپذیریم، باید نتیجه بگیریم که زلزله در روز رخ داده است و مردم فرصت فرار از زیر سقف‌ها را پیدا کرده‌اند، اما اگر به برخی گزارش‌های نه‌چندان معتبر که آمار تلفات را تا چهار هزار نفر بالا برده‌اند کنیم، لاجرم باید زمان وقوع این زلزله را که ۳۴۲ سال قبل در مشهد اتفاق افتاد، شب بدانیم. چون تقریباً چیزی حدود یک چهارم جمعیت شهر در زلزله از بین رفته است. درباره قدرت زلزله و درجه آن که اصلاً نمی‌شود بحث کرد، چون اسباب اندازه‌گیری و ارزیابی به شکل امروز وجود نداشت، البته برخی معتقدند که شاید بشود با مقیاس «مرکالی» که روشی برای اندازه‌گیری زلزله از طریق ارزیابی خرابی‌هاست و در ۱۲ درجه طبقه‌بندی شده‌است، قدرت زلزله ۱۰۸۴ را هرچند به صورت تقریبی، برآورد کرد، اما این رویکرد، نه علمی است و نه کارایی دارد، با این حال، آنچه قطعی به نظر می‌رسد، قدرت بالای این زلزله است، خرابی‌ها بسیار وسیع بود، آن‌قدر که تعمیر و مرمت آن‌ها، مدت‌ها طول کشید.

- آسیب‌های سنگین در حرم رضوی

درباره خرابی‌های ناشی از زلزله ۱۰۸۴، گزارش‌های خوبی در دسترس است. طبق این گزارش‌ها که سندهای مربوط به آن در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، گنبد حرم رضوی یکی از نقاط آسیب‌دیده بود که تعمیر آن تا سال ۱۰۸۶ قمری به طول انجامید و این مسئله در کتیبه‌ای که روی آن نصب کردند نیز منعکس شد. مسجد گوهرشاد هم از این زلزله آسیب گسترده‌ای دید. هرچند که گنبد به دلیل استحکام فوق‌العاده‌ای که داشت، دچار ریزش نشد، اما بخش‌های قابل توجهی در دهانه ایوان مقصوره و دیگر ایوان‌ها فروریخت و تعمیر آن‌ها تا سال ۱۰۸۸ قمری طول کشید. در ازاره ایوان مقصوره، یادگار این مرَمت اساسی در قالب ابیاتی حفظ شده است: «از تزلزل مسجد جامع ز هم / ریخت در مشهد به امر ذوالجلال / بهر تعمیرش بنام زال بیک / از سلیمان زمان آور مثال». کار ترمیم مسجد، بر اساس کتیبه آن، توسط معمار «شجاع بناء اصفهانی، انجام‌شد که البته نام او در فرایند تعمیرات مکان‌های دیگری از مناطق زلزله‌زده مشهد به چشم می‌خورد و گویا او از سوی شاه‌سلیمان صفوی، مأمور به حضور در عملیات بازسازی خرابی‌ها در مشهد شده است. گزارش‌هایی از ترمیم فضاهای داخلی حرم رضوی نیز وجود دارد. در زمان وقوع زلزله، هنوز هنر آینه‌کاری رایج نبود، بنابراین آسیب‌های ناشی از زلزله ۱۰۸۴، به ترک‌خوردگی و ریزش گچ‌بری‌ها، کاشی‌ها و مقرنس‌ها مربوط می‌شد. طبق سندی که با شماره (۳۰۴۴۱/۱۹) امروزه در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، ظاهراً فعالیت‌های ترمیمی در حرم مطهر، با شتاب بسیار انجام‌می‌شد و طولانی‌شدن دوران مرمت، نشان‌دهنده عمق خرابی‌هاست. در این سند که متعلق به سال ۱۰۸۵ قمری، کمتر از یک سال بعد از زلزله است، می‌خوانیم: «خرابی بسیار در عمارات سرکار موهبت‌آثار (امام‌رضا^(ع)) واقع شده، بنا و بیلداران (عمله‌ها) از عهده بیرون نمی‌توانند آمد. بنابراین موازی یک نفر بنا و بیست نفر بیلدار قرار شده که اضافه بر بنا و بیلداران سابق، در عمارت موهبت‌آثار کار نمایند.»

- بازسازی زیرساخت‌ها و ابنیه فرهنگی

افزون بر حرم رضوی، تأسیسات زیربنایی شهر و مراکز فرهنگی و علمی نیز از زلزله ۱۰۸۴ آسیب فراوان دیده بود. اسناد مربوط به خرابی عمده حمام «آغچه»، حمامی قدیمی و مربوط به دوره تیموری در نزدیکی بست بالاخیابان، امروزه در دسترس است که هزینه تعمیر را فقط در یک مرحله، ۹ تومان و هزار و ۱۱۰ دینار عراقی برآورد کرده که مبلغ بالایی است. تعمیر سرای «سلطانیم» (بعدها به سرای سلطانی مشهور شد و در فلکه جنوبی قرار داشت. آن را در طرح‌های توسعه اطراف حرم خراب کردند) که موفق‌فاهی متعلق به دوره شاه تهماسب یکم صفوی بود و در زلزله به شدت تخریب شد نیز مثال قابل ارائه‌ای است، حجم این تخریب چنان بود که طبق اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس، صدها تومان طلا، هزینه ترمیم و تعمیر آن شد. مدرسه «دودر»، یادگار دوره تیموری که امروزه دارالقرآن حرم رضوی است، ساخت آسیب دیده خاتم، از احفاد خواجه ربیع بن خثیم، مشهور به «خواجه ربیع» و ندیم گوهرشاه خاتون بود، آسیب فراوانی دید که نجف‌قلی‌خان، بیگلربیگی قندهار، هزینه‌های تعمیر و ترمیم آن را برعهده گرفت، این تعمیرها دستکم تا سال ۱۰۹۱ قمری، یعنی چیزی حدود هفت سال بعد از زلزله ادامه داشت. نکته مهمی که باید آن را در روند انجام تعمیرات ابنیه مشهد بعد از زلزله ۱۰۸۴ مدنظر قرار دهیم، مشارکت افرادی از سراسر ایران، برای این امر است. علاوه بر امرا و متمولان که در سر ارادات به امام رضا(ع) یا در راستای تمکین فرمان شاه، در تعمیرات حضور و مشارکت فعال داشتند، علمای اعلام نیز شخصاً در مشهد حضور پیدا کردند و احتمالاً افزون بر مشارکت مادی، تلاش روزافزونی برای آرام‌کردن اوضاع شهر داشتند. محدث مشهور شیعه، علامه محمدباقر مجلسی، صاحب «بحارالانوار»، در این ایام به مشهد آمد و کار نگارش جلد نخست یکی از کتاب‌هایش یانام «حیوةالقلوب» را در همین شهر و در سال ۱۰۸۵ قمری به پایان برد.



شمس‌العماره؛ نخستین برج قاجاری

فتو
ایران

طفلی که در قبر زنده شد



بوده(منظور این است که عمرش به‌دنیان نبوده‌است)، نه صاحب طفل این ندا می‌شوند و نه زوار اقدام به شکافتن قبر او می‌کنند. صاحب طفل صبح خبردار شده، مضطربانه بر سر قبر شافته و حفر قبر نموده است، دیدند که طفل مزبور در تنگنای قبر به خود آمده و بار گران خشت و سنگ و خاک را چاره و دفعی ندانسته، آنچه در قوه(زور بازو و توان) داشته است از سنگ و خشت کنده، ولی چون بار گران بوده و جثه ضعیف و جا هولناک، از دهشت و بیم(ترس و وحشت) جان به جان آفرین تسلیم نموده‌است، اما در چند جاسرش شکسته که معلوم می‌شود(برای خلاصی) سرش را به سنگ لحد زده و چاره‌ای نیافته است،

روزنامه «کاغذ اخبار، نخستین

نشریه ایران است که ۶۹سال پیش

از صدور فرمان مشروطه به همت

میرزا صالح شیرازی کازرونی به

صورت ماهانه در دوره تاجداری محمد شاه قاجار

منتشر می‌شده‌است. امروز در قسمت «اخبار عجیب،

ماجرای زنده شدن طفلی در گور را که ۱۷۱ سال

پیش در سبزوار اتفاق افتاده بود از این نشریه

می‌خوانید.

۱۹مهرم ۱۲۶۸هجری

قمری(۲۳آبان ۱۲۳۰خورشیدی)

«از غرایب حوادث روزگار اینکه در سبزوار طفلی به سن ۱۰ساله در میان آب عمیقی افتاده بوده است، بعد از آنکه (مردم) خبردار شده و او را بیرون آورده‌اند. نیم جانی داشته، اما نه به‌طوری که معلوم شود. اقوام و منسوبانش او را مرده انگاشته، غسل داده و کفن نموده و دفنش کرده‌اند، اما گویا بعد از ساعتی به حال آمده از میان قبر فریاد زده است، جمعی از زوار در آن نزدیکی افتاده (نشسته) بودند، فریاد او را از قبر شنیده، سراسیمه به شهر دویده و جار کشیده‌اند که هرکس امروز مرده در قبرستان دفن کرده، برود و او را بیرون بیاورد که زنده است و نمرده بوده، چون از حیات طفل روزی بیش نمانده